

مَوَاعِظُ

الامور الدينية

عليه السلام

على اكبر تلافى



مُؤَاعِظَاتُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَلَى كَهْسْتَرَلَانِي

سرشناسه: تلافی، علی اکبر
عنوان و نام پدیدآور: مواعظ امیرالمؤمنین علیه السلام / علی اکبر تلافی
مشخصات نشر: تهران: نیک معارف / ۱۳۷۶.
مشخصات ظاهری: ۴۰ ص.
وضعیت فهرست نویسی: فیا.
موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -
۴۰ ق. کلمات قصار.
رده بندی کنگره: ۸ ت ۸ ک / ۵ / ۳۹ BP
رده بندی دیویی: ۹۵۱ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۹۵۰ - ۸۰ م

۶۶۹۵۰۰۱۰ (ج)

نام کتاب: مواعظ امیرالمؤمنین علیه السلام

ناشر: نیک معارف

مؤلف: علی اکبر تلافی داریانی

نوبت چاپ: دوم؛ ۱۳۹۴

تعداد: ۱۰۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: شفق

شابک ۹۶۴-۵۵۶۷-۴۷-۵

خیابان کارگر جنوبی، خیابان روانمهر، کوچه دولتشاهی، شماره ۴، زنگ اول

بسم الله الرحمن الرحيم

«أَذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ».

با حکمت و موعظه نیکو به راه پروردگارت دعوت
نما. (نحل/۱۲۵)

مجموعه حاضر، گلچینی است موجز از پند و
اندرزهای قرآن کریم و چهارده معصوم علیهم السلام
که در پانزده کتاب مستقل عرضه می شود. کتاب
نخستین آن، برگزیده ای از آیة های پند آموز قرآن
می باشد. و کتابهای دیگر هر یک به شمه ای از سخنان
حکمت آموز و هشدار دهنده یکی از چهارده معصوم
علیهم السلام اختصاص دارد.

مطالب هر کتاب به شیوه موضوعی تنظیم شده و
موضوعات بر اساس حروف الفبا ترتیب یافته است.
گفتنی است که روایتهای این مجموعه در حد امکان
از منابع درجه اول شیعی استخراج شده و از نظر دلالت

و مفهوم معتبر می باشد. و در مواردی که نیاز به
روشنگری بوده، توضیحاتی نیز افزوده شده است.

منظور از نشر این مجموعه آن است که خوانندگان
ارجمند هر چه بیشتر با مفاهیم ارزنده قرآن و احادیث
اهل بیت علیهم السّلام آشنایی یابند و بتوانند در صورت
لزوم آنها را برای دیگران نیز بازگو کنند.

بی تردید، فراگیری اینگونه مواعظ و اندرزهای پاک،
دلها را زنده می کند و بیماریهای روحی را شفا
می بخشد؛ البته اگر به آنها عمل شود. امیرالمؤمنین علیه
السّلام فرماید:

الْمَوَاعِظُ شِفَاءٌ لِمَنْ عَمِلَ بِهَا.

مواعظه ها، شفا بخش کسی است که به آنها عمل

نماید. (شرح غرر الحکم ۳۰۶/۱)

از خداوند متان خواهانیم که همه ما بندگان را توفیق
عمل به قرآن کریم و پیروی از آثار اهل بیت علیهم
السّلام عنایت فرماید.

علی اکبر تلافی

۱۹ ربیع الثانی ۱۴۱۷ ق

فهرست مطالب

۷ استغفار
۸ امر به معروف و نهی از منکر
۹ بخل
۱۱ پند آموزی
۱۲ تقوا
۱۳ توبه
۱۴ حفظ زبان
۱۵ حلم
۱۷ خودسازی
۱۸ دانش اندوزی
۲۰ دانش گستری
۲۱ دروغ
۲۲ دوستی

روزه	۲۵
زهد	۲۵
شوهر داری	۲۶
صبر	۲۷
صدقه	۲۸
طمع	۲۹
عفاف	۳۰
عفو	۳۱
غیبت	۳۲
فروتنی	۳۳
قناعت	۳۴
مرگ اندیشی	۳۵
میانه روی	۳۶
نیکو کاری	۳۷
یاد خدا	۳۷
فهرست منابع	۳۹

.....استغفار

● عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ
الِاسْتِغْفَارُ.

نهج البلاغه/ ۴۸۲ حکمت ۸۷

□ در شگفتم از کسی که نومید شود و
حال آنکه آمرزش خواهی با اوست.

● الِاسْتِغْفَارُ دَوَاءُ الذُّنُوبِ.

شرح غرر الحکم ۲۲۸/۱

□ آمرزش خواهی داروی گناهان
است.

● أَكْثِرُوا الْإِسْتِغْفَارَ تَجْلِبُوا الرِّزْقَ.

الخصال/ ۶۱۵

□ بسیار استغفار کنید تا روزی را جلب کنید.

..... امر به معروف و نهی از منکر

● لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ

عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَىٰ عَلَيْكُمْ

شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ

لَكُمْ.

نهج البلاغه/ ۲۲۴ نامه ۴۷

□ امر به معروف و نهی از منکر را
ترک مکنید که بدترین شما
حکمرانی شما را به دست گیرند!
آنگاه دعا کنید ولی مستجاب
نشود.

.....بخل

● اَلْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ.
وَهُوَ زِمَامٌ يُقَادُّ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ.

نهج البلاغه/ ۵۴۳ حکمت ۳۷۸

□ بخل فراهم آورنده همه بدیهاست. و

آن، مهاری است که به سوی هر
بدی کشاند.

● مَنْ بَخِلَ بِمَالِهِ، ذَلَّ.

شرح غرر الحکم ۱۹۰/۵

□ هر که به مال خودش بخل ورزد
خوار شود.

● أَقْبَحُ الْبُخْلِ مَنَعُ الْأَمْوَالِ مِنْ
مُسْتَحِقِّهَا.

شرح غرر الحکم ۴۳۰/۲

□ زشت‌ترین بخیلی بازداشتن مالها

از مستحق آنهاست.

پند آموزی

● مَنْ وَعَظَكَ، أَحْسَنَ إِلَيْكَ.

شرح غرر الحکم ۱۹۰/۵

□ هر که تو را پند آموزد، به تو نیکی کند.

● نِعَمَ الْهَدِيَّةِ الْمَوْعِظَةُ.

شرح غرر الحکم ۱۵۷/۶

□ خوب هدیه‌ای است پند و اندرز.

تقوا.....

● لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى. وَكَيْفَ يَقِلُّ
مَا يُتَقَبَّلُ؟!

نهج البلاغه / ۱۸۴، حکمت ۹۵

□ هیچ کاری، با تقوا، اندک نباشد. و
چگونه اندک باشد آنچه پذیرفته
شود؟!

● أَلْتُقَى رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ.

نهج البلاغه / ۵۴۸، حکمت ۴۱۰

□ پرهیزکاری سرآمد خلقهاست.

● اَلتَّقْوٰى سِنْخُ الْاِيْمَانِ .

تحف العقول/ ۲۱۷

□ تقوا پایه ایمان است.

توبه

● لَا شَفِيعَ أَنْجَحُ مِنَ التَّوْبَةِ .

نهج البلاغه/ ۵۴۰ حکمت ۳۷۱،

تحف العقول/ ۹۰ و ۹۳.

□ هیچ شفیع پیروزتر از توبه نباشد.

● اَلتَّوْبَةُ نَدَمٌ بِالْقَلْبِ، وَاسْتِغْفَارٌ

بِاللِّسَانِ، وَتَرْكُ الْجَوَارِحِ،

وَإِضْمَارُ آتٍ لَا يَعُودَ.

شرح غرر الحکم ۱۲۶/۲

□ توبه پشیمانی قلبی و آمرزش خواهی
زبانی و ترک عملی گناه و قصد عدم
بازگشت به سوی آن است.

..... حفظ زبان

● وَاللّٰهِ مَا أَرَى عَبْدًا يَتَّقِي تَقْوَى
تَنْفَعُهُ حَتَّى يَخْزُنَ لِسَانَهُ.

نهج البلاغه/ ۲۵۳ خطبه ۱۷۶

□ به خدا، می بینم بنده ای را که تقوا

پیشه کند و تقوایش وی را سود
بخشد، مگر اینکه زبان خویش را
حفظ کند.

حلم

● أَوَّلُ عَوَظٍ الْحَلِيمِ مِنْ حِلْمِهِ أَنَّ
النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ.

نهج البلاغه/ ۵۰۵ حکمت ۲۰۶

□ نخستین دستاورد حلیم از حلمش آن
باشد که مردم در برابر نادان یاوران
او باشند.

● إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيماً، فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ

قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا آوَشَكَ

أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ.

نهج البلاغه/ ۵۰۶ حکمت ۲۰۷

□ اگر حلیم نیستی خود را به حلیم

وادار. چه، کمیاب است کسی که

خود را همانند قومی کند و از جمله

آنان نگردد.

● مَنْ لَا يَتَحَلَّمُ، لَا يَحُلُمُ.

تحف العقول/ ۹۴

□ هر که خویشتن را وادار به حلم نکند
حلم نشود.

خودسازی.....

● مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا
فَلْيَبْذَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ،
وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ
بِلِسَانِهِ. وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ
بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ
مُؤَدِّبِهِمْ.

نهج البلاغه / ۴۸۰ حکمت ۷۳

□ هر که خود را پیشوای مردم سازد
باید پیش از تعلیم دیگران به تعلیم
خود پردازد، و پیش از آنکه با
زبانش ادب فرماید، با رفتارش ادب
نماید. و آن که خود را تعلیم می دهد
و ادب می اندوزد، شایسته تر است به
تعظیم از آن که مردمان را تعلیم
می دهد و ادب می آموزد.

.....دانش اندوزی

● الْمُتَعَبِّدُ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ

يَذُورُوا لَا يَبْرَحُ مِنْ مَكَانِهِ.

شرح غرر الحکم ۱۲۵/۲

□ عبادتگر بی دانش همانند الاغ
آسیاست که می چرخد و از جای
خود بیرون نمی رود.

● أَلْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحَاطَ بِهِ.
فَخُذُوهُ مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ.

شرح غرر الحکم ۵۶/۲

□ دانش بیشتر از آن است که تمام آن
فرا گرفته شود. بنابراین از هر دانشی

نیکوترین آن را فراگیرید.

..... دانش گستری

● زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ.

شرح غرر الحکم ۱۰۴/۴

□ زکات دانش، گسترانیدن آن است.

● كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ إِلَّا
الْعِلْمُ.

شرح غرر الحکم ۵۳۸/۴

□ هر چیزی کم شود به دادن جز دانش.

دروغ.....

● لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرُكَ
الْكِذْبَ هَزْلَهُ وَجِدَّهُ.

الكافی ۳۴۰/۲

□ هیچ بنده‌ای مزه ایمان را نچشد مگر
آنکه دروغ را - چه به شوخی باشد و
چه جدی - ترک کند.

● الْكِذْبُ يُزْرِى بِالْإِنْسَانِ.

شرح غرر الحکم ۱۹۲/۱

□ دروغ آدمی را ننگین می‌کند.

دوستی.....

● لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقاً حَتَّى
يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكْبَتِهِ،
وَعِيبَتِهِ، وَوَفَاتِهِ.

نهج البلاغه/ ۴۹۴ حکمت ۱۳۴،

تحف العقول/ ۲۱۹

□ دوست، دوست نباشد مگر آنکه
برادر خود را در سه هنگام نگاه
دارد: وقت گرفتاری، هنگام غایب
بودن و زمان مرگ.

● يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْآخَمَقِ . فَإِنَّهُ
يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ . وَإِيَّاكَ وَ
مُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ . فَإِنَّهُ يَقْعُدُ عَنْكَ
أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ . وَإِيَّاكَ وَ
مُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ . فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ
بِالتَّافِهِ . وَإِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ
الْكَذَّابِ . فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ
يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبَعِّدُ عَلَيْكَ
الْقَرِيبَ .

نهج البلاغه / ٤٧٥ حكمة ٣٨

□ پسر! پرهیز از دوستی با احمق. چه
او خواهد که تو را سود رساند، لیکن
ضرر رساند. و پرهیز از دوستی با
بخیل. زیرا که او دریغ دارد از تو
آنچه را که به آن نیازمندتری. و
دوری کن از دوستی تبهکار. که او
به چیزی اندک تو را بفروشد. و
حذر کن از دوستی با دروغگو. که
او مانند سراب باشد؛ دور را به تو
نزدیک و نزدیک را به تو دور
نمایاند.

روزه.....

● لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ. وَزَكَاةُ
الْبَدَنِ الصَّيَامُ.

نهج البلاغه/ ۴۹۴ حکمت ۱۳۶،

تحف العقول/ ۲۲۱

□ هر چیزی زکاتی دارد. و زکات بدن
روزه باشد.

زهد.....

● أَفْضَلُ الزُّهْدِ إِخْفَاءُ الزُّهْدِ.

نهج البلاغه/ ۴۷۲ حکمت ۲۸

□ برترین زهد پنهان داشتن زهد است.

● الزُّهْدُ تَقْصِيرُ الْأَمَالِ وَإِخْلَاصُ
الْأَعْمَالِ.

شرح غرر الحکم ۶۳/۲

□ زهد کوتاه ساختن آرزوها و خالص
گردانیدن طاعتهاست.

..... شوهرداری

● جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ.

نهج البلاغه/ ۴۹۴ حکمت ۱۳۶،

الخصال/ ۶۲۰

□ جهاد زن نیک شوهرداری باشد.

..... صبر

● مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرُ، أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ.

نهج البلاغه/ ۵۰۲ حکمت ۱۸۹

□ هر که را صبر نجات ندهد، جزع

هلاکش سازد.

● الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ.

شرح غرر الحکم ۶۷/۱

□ صبر سرِ ایمان است.

صدقه

● اسْتَزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.

نهج البلاغه/ ٤٩٤، حکمت ١٣٧،

تحف العقول/ ٢٢١ و ١١١،

الخصال/ ٦٢١

□ رزق را با صدقه فرود آرید.

● سُوُّوا اِيْمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ.

نهج البلاغه/ ٤٩٥، حکمت ١٤٦

□ ايمانتان را با صدقه نگاه داريد.

● إِذَا أَمَلَقْتُمْ، فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ.

نهج البلاغه/ ٥١٣، حکمت ٢٥٨

□ آنگاه که فقیر شدید، با صدقه تجارت
الهی کنید.

● داؤوا مرضا کُم بالصَّدَقَةِ.

تحف العقول / ۱۱۰

□ بیمارانتان را با صدقه مداوا کنید.

..... طمع

● الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَبَّدٌ.

نهج البلاغه / ۵۰۱ حکمت ۱۸۰

□ طمع بندگی جاودانی است.

● لَا يَسْلَمُ الدِّينُ مَعَ الطَّمَعِ.

شرح غرر الحكم ۳۸۸/۶

□ دین با طمع سالم نمی ماند.

● رَأْسُ الْوَرَعِ تَرْكُ الطَّمَعِ.

شرح غرر الحكم ۵۱/۴

□ سر پرهیز کاری ترک طمع باشد.

عَفَاف

● أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ.

الكافی ۷۹/۲

□ بهترین عبادت، پاکدامنی است.

.....عفو

● إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ
عَنْهُ سُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

نهج البلاغه/ ۷۰، حکمت ۱۱

□ چون بر دشمنت توانا شدی، عفو از
او را مایهٔ سپاسگزاری توانائیت بر او
قرار ده.

● الْعَفْوُ يُوجِبُ الْمَجْدَ.

شرح غرر الحکم ۱۹۸/۱

□ گذشت موجب بزرگی باشد.

● الْعَفْوُ زَكَاةُ الْقُدْرَةِ.

شرح غرر الحكم ۲۳۰/۱

□ عفو زکات قدرت بر انتقام است.

● الْعَفْوُ أَفْضَلُ الْإِحْسَانِ.

شرح غرر الحكم ۱۵۴/۱

□ درگذشتن برترین احسان است.

غیبت

● الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ.

نهج البلاغه/۵۵۶ حکمت ۴۶۱

□ غیبت تلاش ناتوان است.

● إِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ. فَإِنَّهَا تَمَقُّتُكَ إِلَى
اللَّهِ وَالنَّاسِ وَتُحْبِطُ أَجْرَكَ.

شرح غرر الحكم ۲۸۷/۲

□ از غیبت دور باش. زیرا که آن تو را
نزد خدا و مردم دشمن کند و
پاداشت را تباه سازد.

فروتنی.....

● التَّوَاضُّعُ زَكَاةُ الشَّرَفِ.

شرح غرر الحكم ۲۳۳/۱

□ فروتنی کردن زکات شرافت
و بزرگی است.

● لَا شَرَفَ كَالْتَّوَاضِعِ.

شرح غرر الحکم ۳۵۴/۶

□ هیچ شرفی مانند فروتنی نیست.

قناعت.....

● الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ.

نهج البلاغه/ ۴۷۸ و ۵۳۶ و ۵۵۹

حکمت ۵۷ و ۳۴۹ و ۴۷۵

□ قناعت ثروتی است که پایان نیابد.

● لَا كَنْزٌ أَغْنَىٰ مِنَ الْقَنَاعَةِ.

نهج البلاغه/ ۵۴۰ حکمت ۳۷۱

□ هیچ گنجی پرمایه‌تر از قناعت نیست.

● طُوبَى لِمَنْ تَجَلَّبَبَ بِالقُنُوعِ وَ
تَجَنَّبَ الاسْرَافَ.

شرح غرر الحکم ۲/۴ ۲۴

□ خوشا آن که لباس قناعت پوشد و از
اسراف دوری گزیند.

..... مرگ اندیشی

● مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ
رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيُسْرِ.

نهج البلاغه/۵۳۶ حکمت ۳۴۹،

تحف العقول/۱۰۰

□ هر که بسیار یاد مرگ کند از دنیا به
اندک خشنود شود.

.....میانه روی

● مَا عَالَ مَرٍ اِقْتَصَدَ.

نهج البلاغه/ ۹۴ حکمت ۱۴۰،

الخصال/ ۶۲۰

□ فقیر نشد آن که میانه روی گزید.

● مَرٍ اِقْتَصَدَ خَفَّتْ عَلَيْهِ الْمُؤْنُ.

شرح غرر الحکم ۲۷۴/۱

□ هر که میانه روی کند هزینه های

زندگی بر او سبک آید.

..... نیکوکاری

● أَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ
إِلَيْكَ.

نهج البلاغه/ ۳۹۷ نامه ۳۱

□ نیکی کن چنانکه دوست می داری به
تو نیکی کنند.

..... یاد خدا

● أَفِيضُوا فِي ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ

أَحْسَنُ الذِّكْرِ.

نهج البلاغه/ ۱۶۳ خطبه ۱۱۰

□ در یاد کردن خدا کوشا باشید که
نیکوترین ذکر یاد خداست.

فهرست منابع

۱. حرّانی، الحسن بن علی (سده ۴ ق)
تحف العقول، به کوشش علی اکبر غفّاری، جامعه
مدرّسین - قم.
۲. خوانساری، جمال الدین محمّد (۱۱۲۵ ق)
شرح غرر الحکم، به کوشش سیّد جلال الدین حسینی
ارموی. دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۳. سیّد رضی، محمّد بن الحسین (۴۰۶ ق)
نهج البلاغه، به کوشش صبحی صالح، هجرت - قم.

۴. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی قمی (۳۸۱ ق)

الخصال، به کوشش علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین

- قم.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹/۳۲۸ ق)

الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، اسلامیه - تهران،

۱۳۸۸ ق.

۳

مجموعه (مَوَاعِظ) جلد



MAVAÉZO AMIRELMÖMENIN(A)
ALI AKBAR TALAFI

